



دشواری‌های تولید



تهیه و تنظیم: مینا بیانی

اشاره:

«به جرئت می‌توان گفت یکی از مراکز معتبر و شناخته شده فرش ماشینی در منطقه پس از ترکیه، شهر کاشان است. در گذشته ترکیه و بلژیک به عنوان پیشتازان این صنعت محسوب می شدند اما ایران (کاشان) می‌تواند شانه به شانه در کنار ترکیه و مصر گام بردارد و عرض اندام کند. خوشبختانه چند سالی است مشارکت شرکت‌های ایرانی در نمایشگاه‌های دمو تکس آلمان و ITM ترکیه بسیار پر رنگ‌تر و موثر تر شده است.»

مهندس کاشانیان در ادامه یادآور می‌شود: «دهه ۷۰ وضعیت تولید فرش ماشینی ایران به لحاظ تکنولوژی بافت در مقایسه با کشور ترکیه تفاوت چندانی نداشت؛ هر دو کشور از ماشین‌های بافت با ماکو استفاده می‌کردند، زمانی که آقای اردوغان ریاست جمهوری ترکیه را برعهده گرفت؛ شنیدم که تحولات وسیعی در صنایع نساجی کشور انجام شده است و در اولین دوره نمایشگاه ITM رشد و توسعه صنعت ترکیه باور کردنی نبود! دولت با اعطای وام‌های کم بهره و با اقساط درازمدت، فرصت خوبی برای خرید ماشین‌آلات مدرن در اختیار تولیدکنندگان قرار داد.»

به اعتقاد این صنعتگر فرش ماشینی، «بعضی متخصصین به تولید قطعات می‌پردازند و این اقدام بسیار منطقی و هوشمندانه است در واقع دیگر نباید به دنبال ماشین‌سازی بود چون آنقدر از روند ساخت دستگاه صنعتی عقب افتاده‌ایم که امکان جبران آن اگر غیرممکن نباشد؛ خیلی خیلی سخت است پس تمرکز بر ساخت قطعه مانند قطعات مکانیکی، شاسی‌های ژاکارد و گیربکس گزینه بهتری به نظر می‌رسد. شاید قیمت این قطعات نسبت به مشابه خارجی بالاتر باشد اما مهمترین مزیت آن امکان بهره‌مندی از خدمات پس از فروش و تعمیر قطعات است. با عنایت به این‌که از نظر ماشین‌افزاری کشور در وضعیت مناسبی می‌باشد

به خاطر دارم گاهی میزان تولید روزانه کارخانه به حدود ۹ هزار متر مربع هم می‌رسید و بیشتر تولیدات آن فرش‌های پشمی بود منتها به دلیل جنگ و ارزبری بالای الیاف پشم، یکی از کارخانه‌های معتبر آلمانی، الیاف اکریلیک را با این عنوان که شباهت بسیاری به پشم دارد و در عین حال ارزبری آن بیشتر از پشم می‌باشد و به تدریج جایگزین الیاف پشم شد. کارخانه راوند، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فرش ماشینی ایران (و شاید منطقه) محسوب می‌شد به طوری که بیش از دو هزار نفر در واحدهای ریسندگی الیاف کوتاه، الیاف بلند (برای پرز فرش)، تکمیل و رنگرزی و بافندگی با ۵۷ دستگاه (از بلژیک و آلمان) مشغول کار بودند.

۴ بیوگرافی و آغاز فعالیت در صنایع نساجی متولد سال ۱۳۳۵ و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی تکنولوژی نساجی از دانشگاه کار هستم. دوران دانشجویی در صنایع نساجی کاشان به کارآموزی می‌پرداختم. سال ۱۳۵۹ و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی مدتی در بخش نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات «شرکت بافت بلوچ» و دوران سربازی نیز با مأموریت وزارت دفاع در «کارخانجات نساجی فخرایران» به فعالیت پرداختم. سال ۱۳۶۳ به کارخانه راوند کاشان رفتم و تا سال ۱۳۶۹ به عنوان مسئول تولید مشغول کار بودم. آن سال‌ها، راوند در دوران اوج و شکوفایی خود به سر می‌برد.



تولید دستگاه پرداختند.

به یاد دارم که حتی برق صنعتی نیز در اختیارشان قرار نمی‌گرفت. متأسفانه تفکرات در این زمینه بسیار محدود و تنگ نظرانه بود و اغلب به نحوی رفتار می‌شد که گویی با قاچاقچی سروکار دارند نه صنعتگر!!

کار پیش رفت تا سال ۱۳۶۸ که «مرحوم هاشمی رفسنجانی» به عنوان «دولت سازندگی» روی کار آمد و فضای تولید و واردات صنعتی گشایش اندکی یافت، شاهد صدور تدریجی موافقت اصولی بودیم و به دنبال آن شهرک های صنعتی یکی پس از دیگری شکل گرفتند. خوشبختانه وقتی سایر صنعتگران کشور به این نتیجه رسیدند تولید ماشین بافت فرش ماشینی امکان پذیر است؛ وارد میدان شدند و جنبش تولید دستگاه و قطعه سازی به اصفهان و یزد نیز راه یافت که با موفقیت همراه بود.

سال ۱۳۶۵ به اتفاق یکی از دوستان طی یک مأموریت کاری به شرکت وندویل بلژیک رفتیم و از چند کارگاه تولید فرش بازدید به عمل آوردیم؛ برایمان بسیار جالب بود که کارگاه‌های کوچک با یک دستگاه و به صورت خانوادگی اداره می‌شود؛ این اتفاق در شهر کاشان نیز رخ داد و کارگاه‌های کوچک خانوادگی با هدف تولید فرش ماشینی راه اندازی شدند.

۴ استقبال بازار از ماشین‌های ساخت ایران چگونه بود؟

قیمت دستگاه ایرانی بسیار پایین بود؛ ضمن این که فروش اقساطی هم انجام می‌شد. به یاد آوریم از دورانی سخن می‌گوییم که واردات ماشین آلات خارجی امکان‌پذیر نبود و کمتر شرکتی توان واردات و تهیه مواد اولیه مورد نیاز (به خصوص دستگاه‌های تولیدی) را داشت.

یکی از مشکلات آن زمان تولیدکنندگان فرش ماشینی، تأمین نخ بود زیرا تعداد واحدهای ریسندگی پاسخگوی نیاز بازار نبود لذا نخ‌های وارداتی از کره جنوبی و ترکیه مورد استفاده قرار می‌گرفت و در

«آقای مهندس محمد مروج» به عنوان یکی از خیرخواهان صنعت نساجی و تکنوکرات‌های واقعی به یاری متخصصین شتافتند. کمک بسیار ارزشمند و بزرگ ایشان، اهدای یک دست ژاکارد نو به تکنسین‌های کارخانه راوند بود.

پس از مدتی سایر تولیدکنندگان فرش ماشینی به این نتیجه رسیدند که امکان تولید ماشین بافندگی در کشور وجود دارد. سال ۱۳۶۹ اولین دستگاه را در «شرکت صنایع قالی کاشان» به صورت کپی، تولید و همزمان با آن واحد ماشین افزار انواع ماشین تراش و فرز را تأسیس کردیم.

سال ۱۳۸۳ مریئوس بافت کاشان شکل گرفت و در حال حاضر تولید فرش ۷۰۰ و ۱۲۰۰ شانه (طرح‌های سنتی و فانتزی) را داریم و با ۵۵ نفر در این مجموعه فعال هستیم.

همان طور که اشاره کردم واردات ماشین آلات تولیدی در دهه ۶۰ بسیار بسیار سخت بود و به هیچ عنوان موافقت اصولی صادر نمی‌شد به همین دلیل متخصصین فنی در یک کارگاه غیر رسمی به

۴ ایده کپی از ماشین‌های بافندگی اروپایی چرا و چگونه به ذهنشان رسید؟ امکان واردات وجود نداشت؟

بعضی انسان‌ها اعتماد به نفس بالایی دارند و با این روحیه وارد میدان می‌شوند و در نهایت به دلیل تلاش و همت والای آنان شاهد جهش‌های چشمگیر در تولید و صنعت هستیم.

کپی برداری از ماشین‌های بافندگی وندویل بلژیک مدل AL1 کار سختی بود کشور در شرایط جنگ به سر می‌برد، محدودیت‌های ارزی غیرقابل انکار بود و قطعات صنعتی به دشواری وارد می‌شد؛ لذا بارها به تراشکاری‌های اصفهان مراجعه می‌کردیم و همه می‌خواستند به نحوی در طی این مسیر به ما کمک کنند. متخصصین فنی راوند به این نتیجه رسیدند که با کپی از دستگاه‌های خارجی، ماشین بافندگی فرش ماشینی بسازند هرچند می‌دانستند ریسک بسیار بالایی است ولی پس از ۵ سال موفق به ساخت ماشینی شدند که توان بافت ساده یا برزنت فرش را داشت؛ در این مقطع

ارز جهت واردات ماشین ۶۱ ASR بی نتیجه ماند. حتی متعهد شدیم فقط فقط با هدف مهندسی معکوس جهت ساخت ۶۱ ASR وارد کنیم اما این پیشنهاد هم به جایی نرسید و علاوه بر تعطیلی واحدهای ماشین سازی، کارگاه‌های خدماتی مانند تراشکاری و ... نیز از ادامه کار باز ماندند.

با این اوصاف وضعیت تولید فرش ماشینی

را در کشور/کاشان چگونه ارزیابی می کنید؟ کاشان یکی از مراکز نساجی است که نمی توان از خاندان تفضلی و لاجوردی یاد نکرد که گروه صنعتی بهشهر را در دهه ۳۰ راه اندازی کردند. سال ۱۳۵۷ کارخانه پلی اکریل با ظرفیت تولید سالیانه ۵۰ هزار تن نخ پلی استر و الیاف اکرلیک برنامه ریزی شده بود در حالی که کمپانی آکسای ترکیه در همان زمان ظرفیت تولید ۵ هزار تن نخ پلی استر را داشت! بهترین و مدرن ترین خط تولید اکرلیک در سال ۱۳۵۷ در اختیار داشتیم و بی شک در صورت استمرار فعالیت این گروه صنعتی، ایران مالک یکی از مدرن ترین کمپانی های تولید الیاف نخ پلی استر و اکرلیک بود.

جالب است بدانید تولیدکنندگان الیاف ترکیه نگران احیای مجدد پلی اکریل ایران هستند زیرا می دانند در صورت راه اندازی و تولید مجدد این کارخانه،

صنعتگران کاشانی نهایت استفاده را از این فرصت به عمل آوردند و به نوسازی و بازسازی خطوط تولید و واردات دستگاه های منطبق با آخرین تکنولوژی های روز دنیا پرداختند.

این امر جهش بسیار خوبی در صنعت فرش ماشینی کاشان به وجود آورد، شرکت ها با تمام توان به تولید فرش پرداختند و بازار توانست رشد چشمگیری را تجربه کند.

دیگر دستگاهی ساخته نشد؟

خیر دیگر کسی ماشین فرش بافی نساخت؛ در واقع بهترین دوران ساخت ماشین، اوایل دهه ۷۰ و خرید ۶۱ ASR بود که عدم حمایت متولیان دولتی این فرصت مغتنم را از بین برد و بعد از آن دیگر ماشین سازی توجهی نداشت. اگر ASR در کشور کپی برداری و ساخته می شد؛ روند ماشین سازی قطعاً به نحو مطلوبی ادامه پیدا می کرد.

پس می توان نتیجه گرفت چندان مهم

نیست چه دولتی با چه تفکر یا چه جناحی سر کار باشد؛ عدم حمایت و کم توجهی نسبت به تولید و صنعت فصل مشترک است!!!

بله، تصمیم مهمی که دولتمردان باید در زمان خود اتخاذ می کردند که نکردند و تلاش برای تخصیص

مدت کوتاهی تجارت نخ بسیار سودآور شد.

حجم تولید دستگاه های فرش بافی چه تعداد بود؟

شاید در سال ۸ دستگاه ساخته می شد و مشتریان در نوبت های یک تا یک سال و نیم می ماندند. پس از شروع ماشین سازی و فرش بافی، مرتب به تقویت و نوسازی خطوط تولید می پرداختیم. سال ۱۳۷۳ به این نتیجه رسیدم که باید تغییراتی در مدل ماشین AL1 صورت گیرد.

شرکت وندویل آن زمان دستگاه ۶۱ ASR می ساخت و ماشین ماکویی جای خود را به دستگاه راپیری داده بود. از مدیرکل وقت وزارت صنایع سنگین استان اصفهان (که ارتباطات بسیار خوبی با صنعتگران داشتند) درخواست کردم به اندازه یک دستگاه ۶۱ ASR ارز به ما اختصاص دهند تا از تکنولوژی روز دنیا عقب نمانیم؛ علی رغم حمایت و پیگیری های فراوان ایشان، ارزی به ما تخصیص نیافت.

سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ واحدهای ماشین سازی به دلیل افزایش قیمت فولاد و آهن و کاهش تقاضا، با زیان های هنگفت مالی مواجه شدند.

ماشین سازی در تمام کشورها نیازمند حمایت کمک های دولتی است ولی در ایران به دلیل بی توجهی دولت و واردات ماشین آلات دست دوم، ساخت ماشین بافت فرش ماشینی برای همیشه متوقف شد.

اما بافت فرش ماشینی رونق پیدا کرد..

بله.. همین طور است؛ به طوری که شرکت های بزرگ، ماشین های ۶۱ ASR دست دوم خریدند و حجم تولیدات خود را افزایش دادند. برای مدتی این تکنولوژی نه چندان به روز؛ مورد استفاده صنعتگران ایرانی قرار گرفت و همین امر نگرانی های بسیاری به وجود آورد زیرا سیستم بانکی به واحدهای فرش بافی کاشان اجازه ورود ماشین های مدرن را نمی داد تا سال ۱۳۸۶ و اجرای طرح تسهیلات زودبازده که علی رغم تمام انتقادات و نظرات منفی،



رقیب قدرتمند و ریشه‌داری وارد میدان می‌شود که نمی‌توان نادیده گرفت.

امروز به جرئت می‌توان گفت یکی از مراکز معتبر و شناخته شده فرش ماشینی در منطقه پس از ترکیه، شهر کاشان است.

در گذشته ترکیه و بلژیک به عنوان پیشتازان این صنعت محسوب می شدند اما ایران (کاشان) می‌تواند شانه به شانه در کنار ترکیه و مصر گام بردارد و عرض اندام کند.

خوشبختانه چند سالی است مشارکت شرکت‌های ایرانی در نمایشگاه‌های دمو تکس آلمان و ITM ترکیه بسیار پر رنگ‌تر و موثرتر شده است.

متأسفانه با مشکلات فراوان در بخش تولید، واردات مواد اولیه و صادرات مواجهیم.

متأسفانه در حال حاضر هیچ ارتباطی با دنیا نداریم، سیستم بانکی ما در سطح بین‌المللی قطع است و گشایش اعتبار برای ایران انجام نمی‌شود، مجبور به پذیرش ریسک‌های سنگین در صادرات و واردات هستیم.

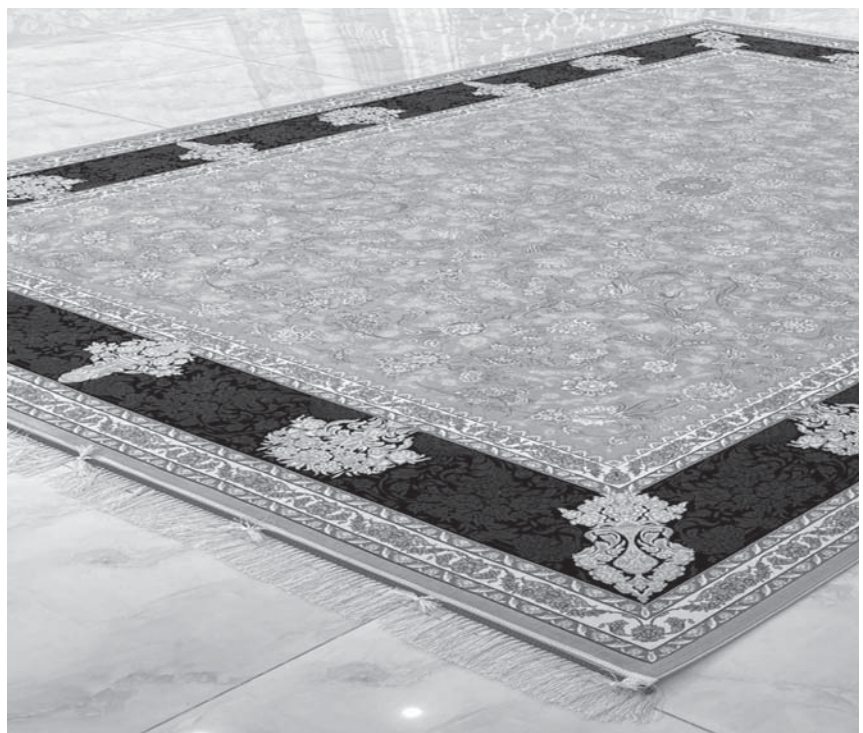
این ریسک همیشه بوده و هست و هزینه‌های گزاف ارزی به خود اختصاص می‌دهد. ضمناً موظف

به پرداخت تمام مبلغ به طرف مقابل خارجی از طریق سیستم صرافی هستید بدون این که مطمئن باشید مواد اولیه چه زمانی با چه کیفیتی به دستتان خواهد رسید!

دهه ۷۰ وضعیت تولید فرش ماشینی ایران به لحاظ تکنولوژی بافت در مقایسه با کشور ترکیه تفاوت چندانی نداشت؛ هر دو کشور از ماشین‌های بافت با ماکو استفاده می‌کردند، زمانی که آقای اردوغان ریاست جمهوری ترکیه را برعهده گرفت؛ شنیدیم که تحولات وسیعی در صنایع نساجی کشور انجام شده است و در اولین دوره نمایشگاه ITM رشد و توسعه صنعت ترکیه باور کردنی نبود!

دولت با اعطای وام‌های کم بهره و با اقساط درازمدت، فرصت خوبی برای خرید ماشین‌آلات مدرن در اختیار تولیدکنندگان قرار داد.

دهه ۷۰ در کارگاه‌های ترکیه، ماشین‌های ماکویی بدون نظم و ترتیب مشخصی کنار هم نصب می‌شد در یک بازه زمانی به وضوح مشاهده می‌شد که تکنولوژی جای خود را به روش‌های سنتی تولید داده و دیگر خبری از کارگاه‌های کوچک نیست. شرکت‌ها تحت حمایت دولت با سرعت شگرف در



حال پیشرفت هستند و مرزهای صادرات و بازاریابی جهانی را بدون مشکل و محدودیت می‌پیمایند.

۴ زمانی گفته می‌شد حجم اعطای پروانه

بهره‌برداری به واحدهای تولید فرش ماشینی به حدی زیاد بوده که بازار را به حالت اشباع درآورد و نتیجه این امر آشفتگی صنعت فرش ماشینی بود. دیدگاه شما در این مورد چیست؟

بعد از بهبود نسبی تولید و صنعت در زمان دولت سازندگی، آمار و ارقامی از تعداد واحدهای صنعتی وجود نداشت و اصولاً تعیین صلاحیت سرمایه‌گذاران و متقاضیان تأسیس کارخانه انجام نمی‌گرفت به همین دلیل در یک بازه زمانی مشخص حجم واحدهای فرش بافی افزایش پیدا کرد.

طبعاً رشد بی‌رویه واحد تولیدی در هیچ صنعتی مقبول نیست و باید مطالعات کارشناسی در اعطای پروانه‌های بهره‌برداری فرش ماشینی انجام می‌گرفت که متأسفانه در این زمینه کم توجهی دولت، بارز است!

در دهه ۷۰ شاهد مسائلی که اشاره کردید یعنی اشباع بازار و آشفتگی صنعت بودیم، شرکت‌ها تجربه صادرات نداشتند و بسیار متضرر شدند اما به دستاوردی نرسیدند و مجبور به ترک آن شدند ولی در دهه ۸۰، چنین اتفاقاتی کمتر رخ داد و افراد بدون مطالعه و تحقیق قبلی یا بهره‌مندی از سرمایه مکفی اقدام به راه‌اندازی واحد تولیدی نکردند.

از سوی دیگر در حال حاضر در شرایط تحریم به سر می‌بریم و امکان گشایش اعتبار وجود ندارد. در حال حاضر قیمت یک ماشین حدود دو میلیون یورو است و باید کل مبلغ را همان ابتدای قرارداد به شرکت فروشنده بپردازید؛ طبعاً با هزینه‌های سنگین امروز دیگر کسی ریسک‌های بالا را در روند تولید نمی‌پذیرد.

به این نکته هم اشاره کنم که اعتقاد چندانی به اشباع بازار فرش ماشینی در کشور ندارم بلکه مشکل اصلی، کاهش قدرت خرید مردم است که ترجیح می‌دهند درآمدهای اندک خود را ابتدا

تعداد زیادی دفاتر طراحی فرش در کاشان وجود دارد که تحصیلکردگان دانشگاهی هستند و در سبک فرش‌های نایب، تبریز و... به طراحی می‌پردازند.

طراحی فرش ایران دارای پرستیژ و سطح خاصی است که ترکیه علی‌رغم تمام پیشرفت‌های فنی و تخصصی قادر به اجرای آن نیست و با بهره‌گیری از طراحان ایرانی درصدد جبران این ضعف می‌باشد. در مورد طراحی فرش‌های مدرن هم حرکات خوبی توسط طراحان ایرانی صورت گرفته و با مشکل یا محدودیتی در این حوزه روبرو نیستیم.

«مسابقه شانه و تراکم در فرش ماشینی کاشان تا کجا ادامه پیدا می‌کند؟ این را باید نشانه رشد و بالندگی یک صنعت در شهر بدانیم یا تلاش تولیدکنندگان برای عقب نماندن از رقبا؟»

معتقدم باید نیاز و خواسته بازار را برآورده کرد. امروز بازار خواهان فرش ۱۲۰۰ شانه یا ۱۵۰۰ شانه است؛ به هر حال فرش ماشینی برخاسته از هنر ناب ایران است که به دلیل قیمت بالای فرش دستباف، مصرف کننده می‌خواهد با خرید فرش شانه بالا، همان حس مطلوب و خوبی را پیدا کند که با تماشای فرش دستباف به آن می‌رسد. گاهی اوقات یک واحد تولیدی، بازار را متقاعد به خرید می‌کند و این امر در مورد فرش‌های شانه بالا مصداق دارد.

کارخانه راوند دادند و بعدتر توسط سایرین انجام گرفت...

در حال حاضر بعضی متخصصین به تولید قطعات می‌پردازند و این اقدام بسیار منطقی و هوشمندانه است

در واقع دیگر نباید به دنبال ماشین‌سازی بود چون آنقدر از روند ساخت دستگاه صنعتی عقب افتاده‌ایم که امکان جبران آن اگر غیرممکن نباشد؛ خیلی خیلی سخت است پس تمرکز بر ساخت قطعه مانند قطعات مکانیکی، شاسی‌های ژاکارد و گیربکس گزینه بهتری به نظر می‌رسد. شاید قیمت این قطعات نسبت به مشابه خارجی بالاتر باشد اما مهمترین مزیت آن امکان بهره‌مندی از خدمات پس از فروش و تعمیر قطعات است. با عنایت به این که از نظر ماشین‌افزاری کشور در وضعیت مناسبی می‌باشد.

«بی‌شک در تولید فرش، طراحی حرف اول

و آخر را می‌زند بنظر می‌رسد در طراحی فرش کلاسیک ایران بیشتاز دنیاست اما در طراحی فرش‌های فانتزی جایگاه ارزشمند خود را هنوز پیدا نکرده است. پاسخ شما چیست؟»

فرش متعلق به فرهنگ و تمدن ایران است و سلیقه مختلف از فرش دستباف وارد فرش ماشینی شده است.

صرف تأمین خوراک و مسکن نمایند و خرید فرش در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار گرفته است.

حال شما قضاوت کنید که یک صنعتگر چگونه با حداقل سود به تولید ادامه می‌دهد؟! بخشی از سود حاصله به دلیل تورم است (حدود ۴۰ درصد) در واقع مکانیسم محاسباتی قابل قبول برای محاسبه سود توری توسط دستگاه‌های ذی‌ربط وجود ندارد. واقعیت دیگر این که شعارهای دولت در راستای حمایت از تولید اما عملاً در جهت ضد تولید هستند! برای مثال قانون مالیات بر ارزش افزوده که سال ۱۹۴۵ در دنیا مطرح شد و بسیار متری و نزدیک به عدالت است اما در کشور ما فقط تولیدکننده محکوم به پرداخت آن است و تجار و مصرف‌کنندگان زیربار پرداخت مالیات بر ارزش افزوده نمی‌روند، رقم مالیات عملکرد در سایر کشورها که سیستم مالیات ارزش افزوده اجرا می‌شود حداکثر ۴/۵ درصد و در کشور ما ۲۵ درصد می‌باشد!!!

«اشاره کردید که دهه ۶۰ واردات صورت

نمی‌گرفت، کشور در جنگ به سر می‌برد و تولیدکنندگان به سختی به کار ادامه می‌دادند امروز هم واردات به دلیل تحریم به سختی انجام می‌شود و صنعتگران در شرایط نابرابر تولید به سر می‌برند آیا این شباهت ممکن است در کپی‌برداری و تولید ماشین‌آلات صنعتی هم تکرار شود؟ کاری که متخصصین

